



عرصه فرهنگی
عرصه جهاد است

کار فرهنگی در مساجد

(تجربیات، آسیب شناسی و راهکارها)

نشانی : ملارد - صفادشت - جنب شهرداری - فرهنگسرای بعثت
تلفن : ۰۲۱-۶۵۴۳۷۴۰۰-۶۵۴۳۷۳۰۰

Email : Farhangsaraybesat@yahoo.com Web: www.fsbest.com

اشاره: این نوشتار، گزیده، ویراسته و افزوده سخنانی است که دوم اردیبهشت ۱۳۹۰ در جمع فعالان مساجد سبزوار در کتابخانه مسجد شهید توسلی این شهر ایراد شده است و ناظر به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و اهمیت کار در مساجد، هویت، پایگاه‌های بسیج، کانون‌های فرهنگی و هنری و دیگر پایگاه‌های فرهنگی و مذهبی ماست. امید که مورد توجه و استفاده واقع شود.

این نوشتار به فعالان مساجد، پایگاه‌های و هویت‌های جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی تقدیم می‌شود.

مساجد پایگاه انقلاب اسلامی بود و باید باشد؛ هم چنان که پایگاه اصلی نهضت عظیم اسلامی در صدر اسلام بوده است. مساجد، پایگاه انقلاب فرهنگی است. در قبل از انقلاب و دهه اول انقلاب مساجد پایگاه فعال برای انقلابیون بوده است، چه برای مبارزه با رژیم شاه و چه برای بسط و گسترش تفکر انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره). متأسفانه مساجد فعلی این نقش را کمتر ایفا می‌کنند.

■ مطالعه تاریخ شفاهی مساجد

خوشبختانه تاریخ شفاهی برخی از مساجد مهم و موثر در تاریخ انقلاب به ویژه مساجد مهم تهران منتشر شده است. مثلاً مرکز اسناد انقلاب اسلامی تاریخ شفاهی مسجد ابوذر، ارک، قبا و دیگر مساجد و حسینیه‌ها و مراکز آموزشی و مذهبی منتشر کرده است. البته در خاطرات شفاهی خیلی از این انقلابیون، فعالیت‌هایشان در مساجد و مدارس آمده است که مطالعه آنها خالی از لطف نیست و می‌تواند الگوی برای این دوره باشد. خصوصاً از این جهت که مساجد، پایگاه اصلی انقلابیون و مذهب‌یون بود و سازماندهی، آموزش و تربیت نیروها و... از همین مساجد صورت می‌گرفت. متأسفانه خیلی از این فعالیت‌ها ثبت و ضبط نشده است و به دست ما نرسیده است. خیلی از این مساجد در قبل از انقلاب و دهه اول انقلاب، پایگاه جدی نشر معارف اسلام و انقلاب بود و آنها فعالیت‌های چشمگیری چون تظاهرات، اجتماعات، تواشیح، گروه‌های سرود و تئاتر، نشریات و کارگاه‌های مختلف نقاشی، خوشنویسی و... داشتند. الان دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب و ماهنامه راه، در صدند در راستای ثبت تاریخ شفاهی انقلاب، تاریخ مساجد را ثبت و ضبط کنند. از این جهت، این نوع کارها بسیار بجاست که در دو دهه اخیر متأسفانه مورد غفلت قرار گرفته است و امید با این فعالیت‌ها، کاری جدی در این زمینه صورت بگیرد.

شما باید از سنگرهای خودتان در شهرستان و منطقه حمایت کنید. شما باید همین پایگاه‌ها و سنگرهایی که داریم، خوب حفظ کنیم و سپس درصد تأسیس و فتح سنگرهای دیگر باشیم. نه این که به بهانه فتح سنگرها و تأسیس پاتوق‌های جدید، سنگرها یا پاتوق‌های قدیمی ما، در اثر بی توجهی‌ها، از دست برود.

در پایان تأکیدم، توجه به تقویت مبانی خودمان و خودسازی است. آقای قرآنی - که خدا حفظش کند - حرف مبنایی زیبایی زدند که روزی حداقل ۱۵ دقیقه قرآن و تفسیر بخوانید. ما باید رابطه‌مان را با قرآن و متون اصلی دین‌مان بیشتر کنیم. کتابهای احادیث خوبی داریم که از آنها غافلیم. مثلاً حداقل یک دوره اصول کافی شیخ کلینی (ره) یا میزان الحکمه (انتشارات دارالحدیث) را بخوانیم. خلاصه این که باید همت کنیم. قدر این فضای معنوی دوستانه را بدانیم. چه خواهیم و چه نخواهیم الآن چشم امید خیلی از جهانیان و مردم، ما هستیم. پس قدر این فرصت خودتان را بدانیم و امانتی که در حال حاضر دست ماست صحیح و سالم به آیندگان برسانیم.

* گزیده این متن، در شماره ۲۰ دوره جدید (شماره پیاپی ۱۰۷) ماهنامه زمانه وابسته به پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) منتشر شده است.

فرهنگی کشور تغییر نمی‌کرد، آنها به سمت موسسه راه‌اندازی موسسه و NGO های فرهنگی نمی‌رفتند! چه کنیم که از این اتفاقات در فضای فرهنگی و سیاسی کشور زیاد می‌افتد. پس از این تجربه نیروهای حزب‌اللهی و فرهنگی با سابقه و با تجربه، درس بگیریم. نوع کارهای آنها می‌تواند برای ما الگو باشد. نمونه دیگرش، دوستان ما در دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی هستند که پیش از این در ماهنامه سوره فعالیت می‌کردند. مدیر مسئول نشریه (رئیس وقت حوزه هنری) بنا به دلایل متعددی از جمله فشار برخی مسئولان، روحیات محافظه‌کاری خودش و رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، عذر اعضای تحریریه را خواست و ۱۸ نفر از فعالان تحریریه، رسماً از نشریه اخراج شدند. حدود یکی دو سال طول کشید که توانستند دوباره روی پا بایستند و این دفتر راه افتاد و نشریه راه منتشر شد. اما این یکی دو سال، خیلی از فرصت‌هایی که ایجاد شده بود، از دست رفت. مشابه این اتفاق بعداً برای دوستان و فعالان فرهنگی در انتشارات سوره مهر پیش آمد و این بار ۲۸ نفر از کارکنان این انتشارات در اعتراض به مدیریت حوزه هنری و فساد مالی که داشت صورت می‌گرفت، در اقدامی اعتراضی، استعفا دادند و جلوی فساد مالی و حیف و میل بیت‌المال را گرفتند و اینها هم بعد از حدود دو سال از دست دادن برخی از نیروهای خوششان و تحمل سختی‌های فراوان و از این اداره به آن اداره رفتن، اخیراً توانستند دوباره دور هم جمع شوند و موسسه عصر کتاب را راه بیندازند. این تجربه‌ای است که در این سه چهار سال اخیر پیش آمده است و پیش روی همه فعالان فرهنگی از جمله شماست. باید از این اتفاقات درس عبرت بگیرید و تجربیات فعالان فرهنگی را در شهرهای دیگر داشته باشید.

■ حمایت از فعالیت‌های فرهنگی مثبت در منطقه

الآن حمایت از فعالیت‌های فرهنگی و فعالان این عرصه باید مورد توجه شما باشد. برای مثال، یک فروشگاه کتاب خوب به عنوان پایگاه توزیع محصولات فرهنگی انقلاب اسلامی در شهرتان فعال است. شما فعالان مسجدی و نیروهای حزب‌اللهی، اگر نتوانید از وی حمایت کنید و کتابهای خودتان را از آن مرکز نخرید، ممکن است فروشگاهش دچار مشکل شود و خدای ناکرده تعطیل شود یا تغییر ماهیت بدهد و مثل خیلی از کتاب‌فروشی‌های دیگر شهر شود و هر نوع کتاب و محصولی را توزیع کند. لذا اگر می‌خواهید مسابقه کتاب‌خوانی برگزار کنید، سعی کنید کتاب‌هایش را از فروشگاه ایشان تهیه کنید. ایشان هم قطعاً تخفیفات لازم را خواهند داد. نمونه دیگر، فعالیت دوستان تان در اتحادیه انجمن اسلامی دانش‌آموزان این شهر، مدارس، بسیج دانشجویی یا انجمن اسلامی آنجاست، لذا

البته هنوز هم هستند مساجدی که فعالیت‌های انقلابی و فرهنگی بسیاری در آن صورت می‌گیرد، ولی وقتی نسبت می‌گیریم در می‌یابیم از خیلی از پتانسیل‌های این پایگاه و پاتوق جبهه فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی و اسلام ناب بهره لازم برده نمی‌شود. غالب مساجد فقط در حد برگزاری نماز جماعت فعالند، ولی امثال مسجد شما - مسجد شهید توسلی (ره) - با این امکانات - که در زیرزمینش چنین کتاب‌خانه و فضای مناسب برای فعالیت‌های گروهی برای سطوح مختلف دانش‌آموزی، دانشجویی و حتی بزرگسال دارد - در هر شهری نادر است. واقعاً چنین مساجد با این امکانات در هر شهر بسیار کم هستند. این وضعیت نشان می‌دهد که رویکرد مسئولان مسجد، رویکردی جامع و فرهنگی هست. حال شاید کاستی‌ها و نواقصی داشته باشد یا همین الآن با برخی از مسئولان آن مشکل داشته باشید و نتوانید همه آن برنامه‌هایی که مدنظر تان را انجام دهید، ولی این دلیلی نمی‌شود که این پایگاه و پاتوق به این آمادگی را از دست بدهیم.

■ حفظ پایگاه‌های قدیمی و سپس تلاش برای راه‌اندازی پایگاه‌های جدید

به دست آوردن یک پایگاه و پاتوق برای فعالیت به راحتی صورت نمی‌گیرد و به راحتی در اختیار ما قرار نمی‌گیرد. پس دقت کنیم از همین فرصت‌ها و پایگاه‌هایی که داریم درست استفاده کنیم. متأسفانه عادت ما حزب‌اللهی‌ها و مذهبی‌ها این شده است که سنگرها و پاتوق‌هایی که داریم از آنها خوب استفاده نمی‌کنیم؛ آنها را حفظ نمی‌کنیم، ولی همواره در صدد فتح سنگرها و ایجاد پاتوق‌های جدید هستیم. یک کار را به سرمقصد و منزل نهایی نرساندیم، اما یک کار جدید دیگر شروع می‌کنیم. کارهای ناتمام و نیمه‌کاره ما خیلی زیاد است؛ چون دغدغه‌ها و خواسته‌هایمان زیاد است، بدون اینکه جهت خاص و معینی داشته باشد. لذا باید پاتوق‌ها و سنگر‌هایی که داریم را به وضعیت معین و تثبیت شده‌ای برسانیم و سپس برای ایجاد پاتوق‌ها و فعالیت‌های جدید اقدام کنیم. باید سعی کنیم که با یک دست، یکی دو هندوانه برداریم نه پنج تا و ده تا، که نمی‌توانیم هیچ کاری را به درستی و به نحو احسن انجام بدهیم.

■ شناسایی فرصت‌ها و ظرفیت‌های موجود

شناسایی فرصت‌های فعلی در شهر و شهرها و روستاهای پیرامونی ضروری است. از سویی، باید روحانیون و طلاب خوب و خوش‌فکر این منطقه را هم

شناسایی کنیم، چه در حوزه‌های علمیه همین شهر، چه مشهد و چه در قم و جاهای دیگر. چه بسا برنامه‌هایی که مدنظرمان باشد و خودمان نتوانیم پیگیری کنیم، ولی روحانیون، طلبه‌ها و ائمه جماعات منطقه بتوانند به راحتی انجام بدهند. به فرض، الآن در مسجد شهر کی، حاج آقای فعال و باانگیزه در آنجا مستقر است، ما موظفیم به او کمک کنیم؛ به او ایده و پیشنهاد بدهیم؛ اگر برنامه‌ها و سوژه‌های خوبی دارد، کمک کنیم تا عملیاتی شود. وقتی کسی دارد فعالیت خوب یا همسو با ما انجام می‌دهد، باید کمک و حمایتش کنیم؛ چرا که موفقیت او، موفقیت جبهه فکری و فرهنگی انقلاب در این شهر و تضعیف جبهه مفسدین و ضد انقلاب‌هاست. نمی‌توانیم صرفاً کناری بنشینیم و منتظر تحول فرهنگی در این منطقه باشیم. باید حتماً خودمان هم آستین‌هایمان را بالا بزنیم. تا خودمان وارد گود کار و فعالیت نشویم، نباید انتظار تحول فرهنگی و دینی در شهر و منطقه داشته باشیم. پس باید همت کنیم. البته این انتظار هم نادرست است که همه باید یک نوع فعالیت را انجام بدهیم، هر کدام از ما، در هر سطحی که می‌توانیم، باید تلاش خودمان را بکنیم.

الآن این مسجد و مساجد و مراکز مشابه آن، یک فرصت فرهنگی مهم است. شرایطش نسبت به بقیه مساجد شهر و منطقه، آماده‌تر است. از سویی دیگر، خوش سابقه و خوش نام است و اشخاص توجیحی، هیئت امنایش هستند. کتابخانه‌ای به این وسعت، داشتن کلاس‌های آموزشی و سالن وسیع و... پس بیاییم این مسجد را یکی از مراکز اصلی تمرکز و تجمع خودمان قرار بدهیم. بعداً مراکز و مساجد همسوی خودمان در این شهر و منطقه مانند مسجد فلان منطقه یا شهرک را شناسایی کنیم. با هم مرتبط و هماهنگ باشیم و فعالیت‌هایمان را همسو کنیم.

■ باید الگوی عملی فرهنگی را ارائه دهیم

مشکل غالب فعالان فرهنگی و تشکلی ما این است که الگوی عملی و عینی ندارند. ما باید بیاییم به گونه‌ای فعالیت کنیم که با این کارها، یک الگوی عملی برای دیگر فعالان و مساجد شویم. الگو بودن یک مسجد یا پایگاه بسیج یا یک هیئت، باعث می‌شود که دیگر مساجد، هیئت‌ها و پایگاه‌ها از آن ایده بگیرند و خودشان بروند فعالیت کنند. هم چنان که اگر یک تشکل یا مجموعه خوبی داشته باشیم، می‌توانیم روی دیگر تشکل‌ها و مجموعه‌ها اثر بگذاریم و برای دیگران، الگو بخش بشویم. پس قدر همین فرصت‌ها و ظرفیت‌ها را بدانیم. یکی از مشکلات ما این است که از تجربیات دیگران کمتر استفاده می‌کنیم. به عبارتی دیگر، اصلاً از تجربیات دیگران خبر نداریم. به خاطر اینکه اطلاعات و شناخت ما از سنجرهای جبهه خودی کم است؛ خودمان را محدود

یکی از اشتباهات جدی فعالان مسجدی ما این است که بدون توجه و اهتمام به آینده نیروهایمان، می‌خواهند فعالیت ماندگار و موثر داشته باشند. این طوری نمی‌شود. باید با تجربه‌هایمان، نیروهای جدید را راهنمایی و حمایت کنند، به آنها مشاوره بدهند تا در جای خودشان مشغول به فعالیت شوند. از سویی دیگر ارتباط خودشان را با آنها حفظ کنند تا حتی اگر در شهرها و محیط‌های دیگری رفتند بتوانند فعالیت‌های مشابه اینجا را در آن منطقه پیگیری کنند. اگر به دانشگاه، حوزه یا اداره رفتند در دانشگاه، حوزه یا اداره‌ای خودشان هم تأثیرگذار باشند. اگر در اداره‌ای مشغول به کار شدند، در آنجا هم تأثیرگذار باشند و یک کارمند با دغدغه و اهل کار باشند، نه اینکه فقط دغدغه داشته باشند، ولی نتوانند کاری بکنند.

لذا من پیشنهادم این است که هر کدام از شما دوستان، از همین الآن به فکر تأسیس تعاونی صندوق قرض الحسنه، ثبت موسسه و NGO باشید و از امکاناتی که به موسسات یا NGO ها صورت می‌گیرد، در راستای اهداف و برنامه‌هایتان استفاده کنید. از سویی دیگر، بخشی از فعالیت‌های خودمان را در قالب این نوع موسسات هم می‌توانیم پیگیری کنیم. لذا اگر خدای ناکرده، هیئت امنای مسجد نظرشان تغییر کرد یا برخی از شخصیت‌های شهری بر مسجد فشار آوردند و اجازه فعالیت به ما و برنامه‌هایمان ندادند، دیگر نمی‌خواهد از صفر شروع کنیم و دنبال پایگاه و پاتوق باشیم.

■ مسجد پایگاه اصلی باشد، اما به فکر پاتوق مستقل هم باشید!

نظرم این است که پایگاه اصلی‌مان همان مساجد باشند. در کنار مساجد، می‌توانیم این قالب‌ها را هم داشته باشیم. مثلاً برخی از نیروهای با تجربه حزب‌اللهی ما، هم یک موسسه فرهنگی دارند و هم این که در اداره‌ای دولتی، مشغول فعالیتند. اگر بتوانند آن فعالیت‌هایشان را از طریق ارگان‌های دولتی پیگیری کنند، از آن طریق فعالیت می‌کنند. چون هم امکانات هست و هم گستره کارشان بیشتر می‌شود و اگر نشد، همان کارها را از طریق موسسه خودشان پیگیری می‌کنند. نمونه‌اش آقای احسان محمد حسینی است که موسسه فرهنگی عاشورا را تأسیس کرده است و الآن در معاونت هنری بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس هم فعالیت می‌کند. فعالان فرهنگی دیگر هم همین طور. قطعی و یقینی بدانید که امثال این فعالان فرهنگی، اگر بر آنها فشار نبود و سیاست‌های مسئولان

قم)، استاد سید هادی خسروشاهی (فعال در حوزه جهان اسلام)، استاد رحیم‌پور ازغدی، حجت‌الاسلام رسول جعفریان (محقق تاریخ)، حجت‌الاسلام حمید پارسائی و... نویسندگانی چون جلال آل‌احمد، رحیم مخدومی، رضا امیرخانی، مرحوم دکتر محمد مددپور، علی موذنی، یعقوب توکلی، سید مهدی شجاعی، محمدرضا سرشار، هدایت‌الله بهبودی، شهریار زرشناس، استاد اصغر طاهرزاده در اصفهان، مرتضی سرهنگی و... همچنین اساتید متعهد دانشگاهها مانند دکتر مهدی گلشنی، دکتر سعید زیباکلام، دکتر حسین کچویان، دکتر ابراهیم فیاض، دکتر محمدصادق کوشکی و... و آثار دهها و صدها شخصیت دیگر این جبهه را بشناسد. موسسات فرهنگی و نشرانی چون سوره مهر، لیلہ القدر، دفتر نشر معارف، بوستان کتاب، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، کتاب دانشجویی، کتاب صبح، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، روایت فتح، طرح فردا، سپیده باوران، موعود، نیستان، بقعه، مرکز نشر اسراء، مدرسه، صدرا، شاهد، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، کانون اندیشه جوان، روایت فتح، موسسه آرمان مشهد، موعود عصر، موسسه شهید شهبازی، موسسه جهادی (صهبا) و... را بشناسد و بداند در چه حوزه‌هایی فعالند. نشریاتی مانند سوره، راه، نیستان، پنجره، پلاک هشت، یادمان‌گار، زمانه، امتداد، ادبیات داستانی، موعود، پگاه حوزه، معرفت، سلام بچه‌ها، پوپک و دهها نشریه این جبهه را بشناسد و حداقل توروک زده باشد. با سایت‌هایی مثل پاتوق کتاب، باشگاه اندیشه، عدالتخواهی، جهان نیوز، رجانیوز، فارس، مهر، الف و... را هم نا آشنا نباشد.

■ برنامه‌ریزی برای اشتغال و آینده‌زندی فعالان مسجدی

نکته دیگر اینکه، غالب دوستان فعال ما در اینجا، در سن ازدواج باسربازی هستند، ما برای اشتغال و ازدواج این فعالان مسجدی مرتبط چه برنامه‌ای داریم؟ ما اگر قصد تأثیرگذاری ماندگار در فضای شهر و منطقه در آید باید برای آینده تک تک فعالان مسجدی مرتبط خودمان هم برنامه‌ریزی داشته باشیم. هم جویای درس و بحث ایشان باشیم و هم جویای اشتغال به کار ایشان. اگر کسی در شرف ازدواج است و نیاز به کمک مالی دارد، کمک و حمایتش کنیم. الان ما فعالان فرهنگی به فکر تأسیس یک صندوق قرض‌الحسنه‌ای باشیم تا هر کسی که نیاز مالی پیدا کرد، بتوانیم حمایتش کنیم. برویم موسسه، شرکت، تعاونی یا NGO راه بیندازیم و نیروهای به درد بخور خودمان را در راستای فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی انقلاب هم مشغول به کار می‌کنیم و هم این‌ها با فراغت بال، وقت‌های خودشان را در اختیار ما، مسجد و نیروهای جدید مسجدی می‌گذارند.

به یک منطقه و شهر و یک جا کردیم و از دیگر شهرها و مراکز خبری نداریم. لذا عقل و شرع حکم می‌کند که از تجربیات دیگر مساجد و پایگاه‌ها استفاده کنیم، به عنوان مثال، مسجد صنعتگران مشهد و فعالیت‌های حاج آقای صرافیان در آنجا یا مسجد قبا در زمان فعالیت شهید مفتاح، مسجد هدایت در زمان آیت‌الله طالقانی، مسجد کرامت مشهد در زمان فعالیت آقا و خصوصاً مسجد جوادالائمه (ع) تهران که با فعالیت‌های امثال شهید حبیب غنی‌پور و آقای امیرحسین فردی - سردبیر کیهان بچه‌ها و رئیس مرکز آفرینش‌های هنری حوزه هنری - پایگاه اولیه هنر و ادبیات انقلاب اسلامی شده بود و خیلی از شعرا و نویسندگان و هنرمندان فعلی ما از آنجا برخاستند و قبل و بعد از انقلاب با آنجا مرتبط بودند.

■ آرمان‌گرایی در عین واقع‌گرایی؛ انتظار نداشته باشیم در و تخته با هم جور باشند!

از سویی دیگر، انتظار نداشته باشیم که فضای شروع فعالیت ما، باید حتماً آماده، آرمانی و همه امکانات هم جور باشد تا بتوانیم کار کنیم. تمام کارهایمان بی‌نقص باشد. مثلاً این که انتظار داشته باشیم اعضای هیئت امناء، درباره همه فعالیت‌های ما توجیه باشند و از ما حمایت کنند؛ نهادها، مراکز یا شخصیت‌های صاحب نفوذ شهری، نظری سوء یا انتقادی به فعالیت‌های ما نداشته باشند. این را بدانیم که همیشه این‌گونه نیست که در و تخته با هم جور باشند، ماجرای قیف و قیر و جهنم ایرانی‌ها را همه‌مان می‌دانیم. پس با توجه به همه نقایص، سختی‌ها، کاستی‌ها و مشکلاتی که وجود دارد و مشکلات و موانعی که ایجاد می‌شود، ما باید کارهای خودمان را به درستی انجام بدهیم.

■ ضرورت برگزاری دوره‌های آموزشی برای مخاطبان

با این فضایی که شما در این مسجد دارید می‌توانید دوره‌های مختلف آموزشی، فرهنگی، دینی، مهارتی و... برای مخاطبان خود برگزار کنید. از دانش‌آموز گرفته تا دانشجو و میانسالان آقا و خانم. به شرطی که خودتان انگیزه و اراده‌اش را داشته باشید و همت کنید. از کلاس‌های مطالعاتی اندیشه‌های امام (ره)، رهبری، شهید مطهری (ره)، شهید آوینی (ره)، تاریخ معاصر، تاریخ اسلام، هنر انقلاب و دفاع مقدس گرفته تا جلسات نقد و پخش فیلم، مستند، نمایشگاه‌های عکس، کاریکاتور و نقاشی، کلاس‌های مهارتی مانند مستندسازی، فیلم‌سازی و حتی کامپیوتر، زبان، خوشنویسی، عکاسی و ورزش و... از طرفی هم سعی کنید در درجه اول، از پتانسیل این شهر و منطقه نهایت استفاده را ببرید. اگر در جاهایی،

اگر صرفاً به جلو نگاه کنیم ممکن است طولانی بودن و سختی مسیر، ما را ناامید و متزلزل یا کم انگیزه کند. لذا باید هر هشت یا ده قدمی که برمی‌داریم یک نگاه به پشت سرمان بیندازیم و ببینیم که چقدر پیشرفت داشته‌ایم و توانستیم مسیر زیادی را بپیماییم.

خودمان یا دوستانمان، هر کدام در حوزه‌ای که می‌توانیم طرح بحث یا کلاسی را برگزار کنیم، متولی آن بخش شویم و مسئولیتی بر عهده بگیریم. حداقل که برای نوجوانان و دبیرستانی‌ها که می‌توانیم چند جلسه طرح بحث کنیم و آنها را با کلیات معارف اسلامی و انقلاب آشنا کنیم. سپس از پتانسیل‌های خارج از منطقه مانند مشهد، شاهرود یا تهران و قم هم استفاده کنیم.

■ ضرورت شبکه‌سازی فعالان فرهنگی شهر و منطقه

حیف است با این تعدادی که شما در این شهر هستید و هر کدام هم در گوشه‌ای فعالیت، با همدیگر مرتبط و هماهنگ نباشید. هماهنگی و جلسات مشترک ماهانه یا فصلی فعالان فرهنگی خیلی کمک می‌کند و الگوهایی برای فعالیت می‌دهد. سعی کنیم هر بار جلسه خود را در یکی از پایگاه‌های خودمان برگزار کنیم. مثلاً هر ماه، یک مجموعه میزبان بقیه باشد. یک جلسه در همین مسجد، دفعه بعدی در مسجد فلان شهرک، بار دیگرش در دانشگاه پیام نور، بعد در دانشگاه تربیت معلم و به همین ترتیب جلسات بعدی در اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان و فلان فروشگاه کتاب و... پس برقراری ارتباط و شبکه‌سازی ما فعالان فرهنگی و مذهبی در این شهر و منطقه خیلی مهم است. سپس این شبکه را گسترش بدهیم. لازم هم نیست که در ابتدای امر، حلقه کاری و هماهنگی خودمان را آن قدر وسیع کنیم که نتوانیم جمع و جورش کنیم. می‌توانیم چند حلقه کاری تعریف کنید. آنهایی که مبانی فعالیت‌ها و نوع کارهای تان بسیار به هم نزدیک است در یک حلقه و هسته اصلی باشند. در حلقه‌های بعدی، افراد دیگری را مطرح کنیم. در حلقه‌های بعدی می‌توانیم از پتانسیل دیگر نیروها و مسئولان حزب‌اللهی و دغدغه‌مند شهر هم استفاده کنیم. اما توجه به این نکته ضروری است که مبانی ما جای خود مهم است و این اشتباه هست که مبانی فعالیت‌ها و نوع کارهای خود را نادیده بگیریم و فکر کنیم به صرف حزب‌اللهی و مذهبی بودن - یا به اصطلاح اصولگرا بودن - با هم فعالیت مشترک انجام بدهیم. تا چند تا کار مشترک انجام ندهیم، نمی‌توانیم حد و اندازه آنها را بشناسیم. پس سعی کنیم در مرحله اول و حلقه اول، با کسانی که پاک‌تر و مخلص‌ترند و به دیدگاه امام(ره) و انقلاب اسلامی نزدیک‌ترند، همکاری کنیم و سپس با بقیه افراد. قرار هم نیست که در همه این زمینه‌ها حتماً سر و صدا و کارهایی بکنیم که بی‌جهت، حساسیت مسئولان شهری و محلی را برانگیزانیم. پس مواظب کارهایمان هم باشیم. متأسفانه برخی از مسئولان به دلایل مختلفی - چون تنگ‌نظری، محافظه‌کاری و یا زدوبندهای سیاسی و اقتصادی - در مرحله اول با متشکل شدن نیروهای انقلابی مخالفت می‌کنند و به طرُق مختلف، مانع شبکه‌سازی آنها می‌شوند و در مرحله بعد یعنی پس از متشکل

متأسفانه برخی از ما آرمان‌های بلندی نداریم. آرمان‌های ما کوتاه هستند. کسی که آرمان‌های بلند داشته و بدان باور و اعتقاد داشته باشد، قطعاً به گونه‌ای دیگر عمل خواهد. عمل ما نشان می‌دهد که به حرف‌ها و آرمان‌هایی که از آن دم می‌زنیم، اعتقاد و باور قلبی نداریم.

که بروید امثال حاج حیدر رحیم‌پور، حاج آقا روح یا نظافت یا استاد طاهرزاده شهر خودتان را پیدا کنید. استاد طاهرزاده اصفهان را می‌شناسید که تاکنون حدود ۳۰ کتاب از ایشان منتشر شده است. ایشان در شهرستان و دور از تهران است، ولی آثار ایشان در سراسر کشور توزیع می‌شود و مورد استفاده همه مردم و به ویژه دانشجویان سراسر کشور قرار می‌گیرد: از دانشگاه زاهدان و کرمان گرفته تا مشهد و بابل و تبریز و اهواز. فعالیت‌های گروه فرهنگی لب‌المیزان ایشان هم یک الگو برای شهرستانی‌هاست. نمونه دیگرش، فعالیت‌های کانون رهپویان وصال شیراز حاج آقای انجوی‌نژاد است که این هم از جهانی هم یک الگو و تجربه‌ای دیگر برای شهرستانی‌هاست. موسسه اشراق بابل زیر نظر حاج آقای مویدی یا نوع فعالیت‌های حاج آقا نیکزاد در این شهر هم نمونه‌ها و الگوهای دیگر هستند. شما هم قطعاً اساتید قابل استفاده و خوبی در منطقه خودتان دارید. حال ممکن است در شهر شما باشد یا در مشهد یا تهران یا جاهای دیگر باشد. حالا بعد از چند جلسه سخنرانی یا چند مدت ارتباط در می‌یابید که از ایشان در چه زمینه‌هایی بهتر می‌توانید استفاده کنید. آیا تا به حال شده است که آنها را دعوت کنید. شما باید ظرفیت‌ها و اساتید متعدد و انقلابی و مذهبی شهر خودتان را خوب بشناسید و تا حد ممکن از آنها در زمینه‌های تخصصی خودتان استفاده کنید. پس لازم است اساتید و فضایی متعدد فعلی این منطقه را در قم، تهران و مشهد و... شناسایی کنید و بنا به ظرفیت و تخصص‌شان از آنها استفاده کنید و گرنه مجبورید با وضعیت فعلی بسازید و به آنها بسنده کنید. نادیده گرفتن همه پتانسیل‌ها و غفلت از برخی فرصت‌های منطقه اشتباه است.

■ ضرورت آشنایی با اساتید و آثار جبهه فرهنگی انقلاب

همانطوری که اشاره کردم اساتید متعدد شهر خودتان را شناسایی کنید باید برنامه‌های شما در مساجد و دانشگاه‌ها به سمت و سویی باشد که هر کسی با شما همکاری یا رفاقت می‌کند اساتید و آثار جبهه فرهنگی و فکری انقلاب را بشناسد، خوانده باشد و حداقل اینکه اسم این افراد و کتابها و مراکز به گوشش خورده باشد. مثلاً آثار و محصولات مهم مرتبط به امام خمینی(ره)، رهبر معظم انقلاب، شهید بهشتی، شهید آوینی، استاد محمدرضا حکیمی، دکتر رضا داوری، شعرای برجسته انقلاب مانند علی معلم دامغانی، مرحوم سید حسن حسینی، مرحوم قیصر امین پور، مرحوم سلمان هراتی، علیرضا قزوه، محمد کاظم کاظمی، قادر طهماسبی و... اساتید و فعالان حوزوی چون حضرات آیات مصباح یزدی و جوادی آملی، مرحوم استاد علی صفایی حائری، استاد میرباقری (رئیس دفتر فرهنگستان علوم اسلامی

اهل بوشهر است؛ یعنی شهرستانی است. تقریباً ۵۰ ساله است و بالای یکصد جلد کتاب دارد که حدود شصت تایش درباره بوشهرشناسی است، ولی بقیه، غالباً در زمینه دفاع مقدس، انقلاب و تاریخ معاصر است. ایشان هر وقت تهران می‌آید، گویا با خودش دو سه تا کتاب برای چاپ می‌آورد. نویسندگانی شهرستانی است ولی بسیار فعال است. پس صرف این که شما در شهرستان‌ها و از امکانات کمتری برخوردارید، دلیل بر این نمی‌شود که فرصت‌های خودتان و ظرفیت‌های منطقه را قدر ندانید. ایشان در کتابهایش، خاطرات شفاهی خیلی از رزمندگان بوشهری و آبادانی و... را به جامعه معرفی کرده است. ای کاش هر استان و منطقه‌ای یک سیدقاسم یا حسینی می‌داشت تا هم رزمندگان و شهدای غیر تهرانی و گمنام شناخته می‌شدند و هم این که ادبیات دفاع مقدس و انقلاب ما، این قدر تهرانی زده نمی‌شد. شما هم می‌توانید کاری مشابه ایشان را در سطح شهر و منطقه خودتان پیگیری کنید و از این طریق، می‌توانید در فضای فرهنگی منطقه و حتی کشور تأثیرگذار شوید و هم از سویی به نیروهای رزمنده و حزب‌اللهی و زحمت‌کشیده منطقه خودتان و کل شهرستان‌ها انگیزه دهید. حتی در هنگام ثبت خاطرات و تاریخ شفاهی منطقه و گفتگو با فعالان منطقه، ضبط تصویری هم داشته باشید تا بعداً امکان استفاده‌های بیشتر هم باشد. به عنوان مثال، تا مواد خامی برای تهیه مستند هم باشد. حتی می‌توانید در صداوسیما استان یا حتی کشور بخش کنید یا به صورت نرم‌افزار صوتی و تصویری، در سطح کشور توزیع کنید. پایگاه غالب این افراد و خانواده‌هایشان، مسجد و هیئت است و متأسفانه تا به حال، کمتر کسی با این نگاه سراغشان رفته است یا این که اصلاً مورد بی‌توجهی و بی‌مهری کامل واقع شده‌اند.

■ اساتید متعهد شهر خودتان را شناسایی کنید!

خودتان دست به کار شوید. کار فرهنگی چیزی نیست که از آسمان بیاید. منتظر نباشید استاد X یا Y از تهران یا مشهد دعوت شود تا بیاید برای شما سخنرانی کند. آن کار جای خود، ولی ظرفیت‌ها و فرصت‌های منطقه خودتان را هم خوب شناسایی کنید و به کار بگیرید. نگذارید اینها به راحتی از دست بروند و خودشان را دست کم بگیرند یا این که بی‌انگیزه شوند. اگر قابلیت دارند و افرادی خودساخته و اهل فکرند، جلسات منظم برایشان بگیرید و حتی بحث‌هایشان را ضبط و مکتوب کنید، در مراحل اولیه به صورت جزوات و بعداً پس از ویرایش و اصلاحات و افزودنی‌های لازم به صورت کتاب و کتابچه‌های ۲۰۰-۱۵۰ صفحه‌ای و حتی بیشتر منتشر کنید. من همیشه به دوستان شهرستانی خودم گفتم و می‌گویم

شدن آن نیروها، درصددند آن مجموعه و تشکل را تصرف و تسخیر کنند یا به نوعی، به خودشان وامدار و وابسته کنند تا کم کم آن را از مسیر اصلی و آرمان اولیه، دور کنند. اگر نتوانستند چنین کارهایی بکنند برایشان پاپوش درست می‌کنند یا این که بین ما تفرقه ایجاد می‌کنند. پس این نقشه‌های برخی مسئولان مد نظر ما باشند. شبکه مفسدین هم این گونه هستند، اما آنها زودتر از امثال ما به هم همکاری و همسویی می‌کنند و فعالیت‌های خود را سامان می‌دهند. لذا وقتی بدانند در هر شهری، مذهبی‌ها و حزب‌اللهی‌ها فعال شوند، دامنه فعالیت‌هایشان تنگ می‌شود و نمی‌توانند خیلی از کارهای فسادانگیزشان -حالا چه فساد اخلاقی، فساد اقتصادی و چه فساد سیاسی- را انجام بدهند. لذا به همین خاطر می‌گویم که کارهایتان را مرحله به مرحله پیش ببرید و پایه این روابط و مبانی فعالیت خود را عمیق کنید. اگر نتوانید با مبانی و دغدغه‌های مشترک، فعالیت خود را شروع کنید قطعاً در آینده‌ای نزدیک از هم می‌پاشید. پس نیروسازی را از همین الآن جدی بگیرید تا بتوانید نیروهای خوبی انقلاب اسلامی تربیت کنید که هم به درد مردم بخورند و هم به درد منطقه و کشور و هم اسلام و انقلاب.

■ ضرورت توجه به نیاز و روحیات مخاطبان

نکته دیگر درباره برخی فعالیت‌های شماست. مثلاً اینجا دوره مطالعاتی شهید مطهری را برگزار کردید و پس از یک سال یا دو سال، دوستان می‌گویند که فایده آن چنانی و استقبال اولیه را نداشت. مثلاً برای سیر مطالعاتی اخلاق اسلامی، کتاب «فلسفه اخلاق» استاد شهید مطهری را شروع کردید. خوب، چند نکته، در این کارتان قابل تأمل هست:

۱. این که ما به ظرفیت‌های مخاطبانمان بیشتر توجه کنیم. برای هر دوره سنی و تحصیلی -دانش آموز یا دبیرستانی یا دانشجویی، مجرد یا متأهل و...- یا جنس آنها مثلاً مرد یا زن بودن، را در سیرهای مطالعاتی خاصی را در نظر بگیریم. از سویی، نیاز مخاطب را هم در هر کدام از این دوره‌ها در نظر بگیریم.

۲. دوره سیرهای مطالعاتی خودمان را محدود و مشخص کنیم. طوری نباشد که بر فرض، پس از دوره‌ای دو ساله یا سه ساله، تمام شود. چون همین زمان طولانی، باعث افت انگیزه و خستگی می‌شود. به فرض در مرحله اول، دوره را دو ماهه، سه ماهه یا چهار ماهه معین کنیم. همین محدود بودن دوره باعث می‌شود که اگر کسی از دوره خوشش نیامد، یک یا دو ماه باقی مانده را تحمل کند و در کلاس‌ها حاضر شود، اما در دوره‌های طولانی مدت، این گونه نیست. از سویی دیگر، چون

مطالعات
تاریخی
جدی داشته
باشیم و از
فعالیت‌های
خوب و مفید
فرهنگی
در گذشته
نزدیک ما
-مثلاً قبل
از انقلاب
یا اوائل
انقلاب- انجام
شده است،
الگوبرداری
کنیم و
خودمان باکم
کردن نقاط
ضعفش و
آسیب‌هایش،
آنها را تکمیل
و ادامه
دهیم. قرار
نیست ایده‌ای
از صفر تا
صدش مال ما
باشد.

دوره کوتاه است، دوستان بیشتر وقت می‌گذارند، بیشتر مطالعه می‌کنند و کار را جدی می‌گیرند.

۳. از این دوستانی که در دوره‌ها و سیرها آمدند و شرکت کردند، باید استفاده کنیم. حداقل این که اینها می‌توانند دوره‌های مشابه را برای دوستان دانش‌آموز راهنمایی یا دبیرستانی مدیریت کنند و گر نه، اگر از آنها استفاده نکنیم، فایده چندانی ندارد. لذا اگر برنامه‌ای برای تحول فرهنگی در شهر داریم، باید برای فارغ‌التحصیلان یا شرکت‌کننده‌های باسواد این دوره‌ها، هم برنامه داشته باشیم. قرار نیست هر کسی در این دوره‌ها شرکت کند و ما هم هیچ برنامه‌ای برای بعد از آن دوره نداشته باشیم.

۴. مسأله دیگر در ادامه این سیرها و حین دوره این است که از قالب‌های دیگر استفاده کنیم. چه بسا پخش یک فیلم، مستند یا دیدار با یک عالم یا استاد یا حتی اردوی دسته جمعی یک روزه، هم به نشاط اعضای دوره کمک کند.

۵. نکته آخر آن که، شروع دوره هم باید با کتاب‌های خوب باشد. کتابهای شهید مطهری عمده‌تاً با نگاه فلسفی نوشته شده‌اند، لذا ممکن است که این نگاه برای برخی‌ها جالب و جذاب نباشد یا این که به خاطر فقدان سواد یا عدم علاقه به فلسفه، نمی‌توانند با این سبک کتابها انس بگیرند. لذا می‌توانستیم با کتاب‌های اخلاقی دیگر مانند کتاب‌های آیت‌الله حسین مطهری (مثلاً کتاب‌های اخلاق اسلامی و اخلاق در خانواده)، غالب کتابهای شهید دستغیب، آیت‌الله مصباح یزدی (مانند راهیان کوی دوست، ره توشه و...)، مجموعه سه جلدی در محضر آیت‌الله بهجت (ره)، مباحث آیت‌الله سید رضا بهاء‌الدینی (ره)، معراج السعاده ملا احمد نراقی (ره)، چهل حدیث امام خمینی (ره) و... شروع کنیم. پس این نکته را هم مدنظر داشته باشیم. قطعاً کتاب «فلسفه اخلاق» شهید مطهری برای چنین موضوعی با این سطح مقدماتی مخاطبان، مناسب نیست.

۶. خودتان را این قدر مرعوب مشهورات و محدود قالب‌ها نکنیم. چه کسی گفته است شروع دوره مطالعاتی حتماً باید با کتاب‌های شهید مطهری یا فلان شخصیت بزرگ باشد. ما منکر استفاده از آثار ایشان نیستیم و افتخار هم می‌کنیم که کتابهای ایشان را مطالعه می‌کنیم، ولی آیا امکان ندارد که دوره را با یک کتاب رمان، داستان، مجموعه شعر یا حتی پخش فیلم و مستند شروع کنیم؟! آیا مشکلی پیش می‌آید؟ پس خودمان را محدود قالب‌ها و ابزارها نکنیم. می‌توانیم در ادامه کار یا مراحل پایانی با توجه به نیاز و ضرورت، کتاب شهید مطهری را در زمینه فلسفه اخلاق را مطالعه کنیم. برای نمونه، دانشجویان بسیجی دانشگاه تهران، شروع دوره مطالعاتی‌شان

زیربنای
احیای
تمدن
اسلمی
همان
فرهنگ و
تولید علم
است.

■ ثبت و ضبط تاریخ شفاهی مساجد و منطقه

خاطرات فعالان و شهدای مساجد خودتان را ثبت و ضبط و سپس منتشر کنید. درباره فعالیت‌های مساجد یا فعالان مسجدی - که سابقه جبهه و جنگ یا مبارزات انقلابی دارند - مستند بسازید. الآن دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب، بنیاد حفظ آثار و کنگره سرداران شهید، حوزه هنری‌ها و برخی دیگر از مراکز فرهنگی - هنری در این زمینه‌ها بسیار فعالند. برای نمونه چند تا از دوستان شما در همین سبزواری با آنها همکاری می‌کنند. الآن دو نفرند، ولی صد نفر هم باشند باز هم کم هستند و نمی‌توانند فعالیت‌های صورت گرفته برای منطقه را برای انقلاب و دفاع مقدس ثبت و ضبط کنند. از صداوسیما استان یا مراکز فرهنگی و هنری مانند بنیاد شهید، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان ملی جوانان یا سازمان فرهنگی - هنری شهرداری بخواهید در این زمینه ورود کنند و از فعالیت‌های شما و دیگر دوستان این حوزه حمایت کنند. انجام این نوع فعالیت‌ها را از این سازمان‌ها و مسئولان فرهنگی و مذهبی شهر خودتان مطالبه کنید.

■ معرفی شخصیت‌های فرهنگی و انقلابی شهر

از سویی دیگر شخصیت‌های فرهنگی، سیاسی و انقلابی شهر خودتان را معرفی کنید. چرا نباید جزوه، کتاب و نرم‌افزارهایی از اینان منتشر شده باشد؟! چرا نباید یک مستندی از زندگی اینان باشد که کل کشور اینان را بشناسند. پس ما می‌توانیم کار بکنیم. کار زمین مانده هم زیاد است ولی کاهلیم. این کاهلی به همه ما، مسئولان شهر و منطقه، شاگردان و حتی خانواده ایشان برمی‌گردد. بر فرض مثال، اگر مسئولان تا الآن این کارها را نکردند و حتی الآن هم از این کار حمایت نکنند، مردم که حمایت می‌کنند. مردم هم به خاطر ارادت‌شان از این کار استقبال می‌کنند. این محصول را برای مردم تهیه کنید.

■ سیدقاسم یا حسینی؛ الگویی برای ثبت تاریخ شفاهی شهرستانی‌ها

شما قطعاً اسم سیدقاسم یا حسینی را شنیدید یا کتاب‌های ایشان را خوانده‌اید یا دیده‌اید؟ از نویسندگان ادبیات پایداری است. مواضع و گرایش‌های سیاسی ایشان را نمی‌دانم و فعلاً کاری به آن ندارم، ولی در عرصه تاریخ شفاهی دفاع مقدس زحمت کشیده است و بسیار فعال است. انتشارات سوره مهر حدود ۱۰ جلد و انتشارات فاتحان هم حدود ۵ جلد کتاب از ایشان در زمینه دفاع مقدس منتشر کرده است.

ارتباط با
فعالین
فرهنگی
شهر، استان
و کشور
می‌تواند
مقدمه
فعالیت‌ها
و کارهای
فرهنگی
دیگر شود
و برای
تربیت
نیرو و
رشد هم
می‌تواند
موثر واقع
شود.

متقابل هنر و مسجد. الآن ما حرف‌های زیادی داریم که بیان هنری در قالب فیلم یا مستند، نقاشی یا سرود یا عکس می‌تواند آن را ماندگار و تأثیرگذار بکند. چه بسا اثرگذاری یک فیلم یا مستند خوب، از مطالعه صدها کتاب و دهها دوره آموزشی و معرفتی هم بیشتر باشد. لذا باید از این ظرفیت‌ها و فرصت‌های موجود استفاده کنیم. همین فیلم‌ها و سریال‌هایی که تلویزیون ما پخش کرده است مانند حضرت یوسف پیامبر (ع)، امام علی (ع) مریم مقدس (س)، مختارنامه و... - با همه انتقاداتی که به آنها وارد است - چقدر در بین مردم و جامعه و حتی جهان اسلام تأثیرگذار بوده است، یا دیگر فیلم‌های اجتماعی و سیاسی دیگر مانند آژانس شیشه‌ای، از کرخه تا راین، به رنگ خدا و...

برای نمونه عرض کنم، اگر کسی می‌خواهد درباره صادق هدایت، نویسنده معروف دوره معاصر، بداند و این که از چه کسانی و از کجا الگو گرفته، عوض این که دهها کتاب نقدی که محمدرضا سرشار (رضا رهگذر)، احمد شاکری و شهریار زرشناس و دیگران نوشته‌اند، را بخواند بیاید فیلم «گفتگو با سایه» به کارگردانی خسرو سینایی را ببیند و آن را در مسجد یا دانشگاه خودش پخش کند. این فیلم سعی کرده است شخصیت و زندگی واقعی صادق هدایت را به تصویر بکشد. چون پتّه خیلی از روشنفکران و نویسندگان غریزه را زده است، کمتر مورد توجه قرار گرفته است و اصلاً توزیع درستی نشد و حتی بایکوت شد. شما بیایید این نوع فیلم‌ها و فیلم‌های کارگردانهای مذهبی را در مساجد و دانشگاه‌های خودتان پخش کنید. محقق این فیلم‌نامه، هم آقای حبیب احمدزاده است که از نیروهای جبهه و جنگ و از نویسندگان خوب ادبیات پایداری است که کتابهایی چون «قصه‌های شهر جنگی» و رمان «شطرنج با ماشین قیامت» را نوشته است. یا حتی فیلم‌های ضعیف دیگری چون «اسپاس» (درباره گاو بنی اسرائیل که به سفارش شبکه سحر، برای مخاطبان عمومی ساخته شده است) یا حتی فیلم حضرت ابراهیم (ع) به کارگردانی آقای محمدرضا ورزی. در دوره عدم دسترسی به فیلم‌های خوب، باید از ظرفیت این نوع فیلم‌ها استفاده کنیم. شما بیایید در پایگاه‌های مساجد، تشکل‌های مدارس یا حتی دانشگاه‌ها، به صورت برنامه‌ریزی شده، ده تا فیلم و ده تا مستند خوب را به نمایش بگذارید. ده تا نمایشگاه کاریکاتور و عکس و نقاشی خوب برگزار کنید. اگر احیاناً گروه سرود یا تئاتری در شهر یا استانتان فعال است، از آنها دعوت کنید تا در مسجد و محله شما اجرا داشته باشند. هم این که از آنها حمایت می‌کنید و هم این که آنها انگیزه پیدا می‌کنند و فعال‌تر و جدی‌تر می‌شوند. از سویی دیگر، خیلی از فعالیت‌های مساجد شما باید با زبان هنری و ادبی ارائه شوند و از این ابزار برای خود تقویت و تعمیق فعالان مساجد استفاده کنید.

ارتباط با
فعالین
فرهنگی
شهر، استان
و کشور
می‌تواند
مقدمه
فعالیت‌ها
و کارهای
فرهنگی
دیگر شود
و برای
تربیت
نیرو و
رشد هم
می‌تواند
موثر واقع
شود.

درباره جنبش نرم‌افزاری و تولید علم را با کتاب «نشت نشاء» آقای امیرخانی شروع کردند و... پس قرار نیست خودمان را در یک قالب و شیوه محدود کنیم.

■ یک پیشنهاد: مطالعه تاریخ، تاریخ شفاهی و خاطرات

به نظرم شروع چنین دوره‌هایی باید جذاب باشد مثلاً با کتاب‌های تاریخی آغاز شود. آن هم نه صرفاً با کتاب‌های تحلیلی، بلکه با کتاب‌های تاریخ شفاهی و خاطرات انقلابیون و مبارزین مانند خاطرات احمد احمد، خاطرات عزت شاهی و دیگر خاطرات شفاهی‌هایی که مرکز اسناد انقلاب اسلامی، انتشارات سوره مهر، منتشر کرده است. اخیراً ناشران دیگری مانند انتشارات ملک اعظم (با کتاب خواندنی «خاکهای نرم کوشک»)، بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، انتشارات فاتحان و... کتابهای خوبی در این زمینه به جامعه کرده‌اند. برخی از آنها آن چنان جذاب هستند که دو سه روزه می‌توانیم آنها را بخوانیم. ضمن این که به این نکته هم توجه داشته باشیم که این کتابها برای دست گرمی و علاقمند شدن برای مطالعه خوب است و نه این که خودمان را در این نوع کتابها سرگرم کنیم و از کتابهای تحلیلی و عمیق غفلت کنیم. متأسفانه این هم یک آسیب جدی در بین حزب‌اللهی‌های ماست که آن قدر در زمان و داستان و خاطرات شفاهی غرق می‌شوند، که از مطالعه کتابهای تحلیلی و عمیق باز می‌مانند. از سویی دیگر فراموش می‌کنند که حتی این کتب تاریخ شفاهی را باید با نگاه انتقادی بخوانند؛ بدون اینکه نقاط ضعف و قوت‌هایش را با همدیگر بحث کنیم. پس لازم است و اینگونه عادت کنیم که ذهن‌مان نقد و تحلیلی بار بیاید، نه مثل یک دایره‌المعارفی یا کشکولی. تا هفت هشت سال پیش کمتر کسی کتاب‌های دفاع مقدس را می‌خواند و غالباً به آنها بی‌توجه بودند، ولی فضای این دوره برعکس شده و از این طرف پشت بام دارند می‌افتند. الآن اکثراً این نوع کتابها - شعر، زمان، داستان و خاطرات - می‌خوانند، ولی از مطالعه کتب تحلیلی غفلت می‌کنند یا باز می‌مانند؛ اصلاً عده‌ای حس و حال مطالعه کتب تحلیلی و نظری را ندارند! متأسفانه ما عادت کرده‌ایم دائماً در حال افراط و تفریط باشیم. الآن باید یک موج جدی در بین نیروهای مذهبی راه انداخت که توجه به کتب فکری و تحلیلی هم ضروری است!

■ سیرهای مطالعاتی تخصصی در مراحل بعدی

درباره ادامه سیر مطالعاتی باید برنامه داشته باشید. یعنی بعد از مدتی کسانی که سیر مطالعاتی را طی کردند باید در حوزه تخصصی یا رشته خودشان متمرکز شوند. سیرهای مطالعاتی باید در ادامه تخصصی شوند. اگر رشته‌مان مدیریت است،

مامانند
ماهی، در
درون آب،
قدردان آب و
انقلاب اسلامی
نیستیم
ولی آنهایی
که بیرون از
گوده‌هستند
یا ارتباطات
گسترده‌با
خارج از کشور
دارند، این
فرصت‌ها و
ظرفیت‌ها
را بهتر
می‌شناسند.

سیر مطالعاتی ویژه مدیریت اسلامی را پیگیری کنیم. اگر علوم قرآن است مباحث تخصصی تفسیر قرآن و اگر علوم سیاسی است مباحث جدی این حوزه را پیگیری کنیم. شاید اسم ماهنامه «معرفت» را شنیده باشید که از سوی موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) و زیر نظر آیت‌الله مصباح یزدی در قم منتشر می‌شود. اینها پس از حدود ۱۰ سال فعالیت، اخیراً با توجه به گسترده فعالیت‌های علمی و افزایش پژوهشگران و اساتیدشان به این نتیجه رسیدند که باید نشریات تخصصی هم در زمینه‌های مختلف راه‌اندازی کنند. لذا الآن از دل آن ماهنامه تخصصی معرفت، شش نشریه علمی دیگر هم منتشر شده است: معرفت ادیان، معرفت فرهنگی و اجتماعی، معرفت روان‌شناسی، معرفت سیاسی، معرفت اقتصادی و معرفت قرآنی. از طرفی آن نشریه «معرفت» سابق را هم دارند و هر ماه منتشر می‌شود. سیرهای مطالعاتی ما هم باید این گونه باشد؛ یعنی سیرهای مطالعاتی عمومی را هم داشته باشیم و از طرفی در کنار آن، سیرهای مطالعاتی تخصصی را هم در کنار آن راه بیندازیم که هر کس در حوزه مورد علاقه خودش، با برخی دوستان دیگر، فعال شود.

نکته دیگر این که موضوعات سیرهای مطالعاتی خودمان را محدود نکنیم. حتی گاهی برای تنوع هم که شده است در بازه زمانی محدود، به موضوعات سیاسی و اجتماعی مورد نیاز خودمان مانند مسائل جهان اسلام، وهابیت، غرب‌شناسی، آفریقاشناسی، آمریکای لاتین‌شناسی و دهها موضوع دیگر هم بپردازیم. اما اولویت با مسائل مورد نیاز دوستان باشد و مسائلی که ضرورتی است هر مسلمان یا حزب‌اللهی آنها را بدانند مانند معارف و اخلاق و تربیت اسلامی، اندیشه‌های امام و رهبری، تاریخ معاصر و تاریخ انقلاب و موضوعاتی که بعداً با آنها درگیر می‌شوند مانند ازدواج، تربیت فرزند، اخلاق نقد، اخلاق اداری، اخلاق شهروندی، جریان‌شناسی‌های فکری، فرهنگی و سیاسی، جریان‌شناسی هنر انقلاب و هنر غرب، سینما و...

■ هنر و ادبیات ابزارند نه هدف!

متأسفانه برخی از ما حزب‌اللهی‌ها و فعالین مساجد، از ظرفیت هنر و ادبیات و رسانه غافلیم یا این که در استفاده از آنها، افراط می‌کنیم. چون مواردی دیده‌ام که شخص معارف اسلامی حداقلی، کلیات اندیشه‌های امام و رهبری و تاریخ انقلاب را آشنا نیست، ولی غالب رمانهای نویسندگان غربی و ایرانی را خوانده است یا شب و روز چت‌بازی، وبلاگ‌بازی و وبلاگ‌گردی می‌کند، اما چه فایده! وقتی مبانی فکری محکم و استواری ندارد؟ من منکر خواندن رمان، شعر، داستان و فیلم نیستم، ولی هر کدام باید ضریب خاص خودشان را داشته باشند. دانستن کلیات اندیشه اسلامی،

تا یکی دو دهه پیش عمده مراکز اسلام‌شناسی معتبر دنیا در دست یهودیان بود و الآن در دست پهلوانان است. آنها در این مراکز علیه اسلام شبه‌فکری می‌کنند و ته دل کسانی که در غرب مسلمان شدند یا تمایل به اسلام دارند را خالی می‌کنند.

اندیشه امام و رهبری و تاریخ معاصر و انقلاب برای همه ضروری است و اگر کسی اینها را نداند، احتمال اشتباه و انحراف و غلتیدنش بسیار زیاد است، ولی داستان و رمان و فیلم چطور؟ پس به این نکته توجه کنیم. هنر و ادبیات و رسانه، وسیله و ابزارند. پس جای فرع و اصل را فراموش نکنیم. هنر و ادبیات و رسانه ابزاری برای بیان و گسترش معارف اسلامی و انقلاب اسلامی هستند نه رقیب آن معارف. لذا هر کتابی را هم نباید خواند. موضوعات مورد نیاز و ضروری گروه را تعیین کنید و در این موضوعات، از قالب‌های جذاب و مختلف استفاده کنید. در قالب‌های ارائه این موضوعات خلاق و مبتکر باشید و محدود نباشید. این یک تذکری بود که به نظر ضروری است در ابتدای فعالیت، بحث استفاده از هنر و رسانه مطرح شود. این افراط و تفریط در همه زمینه‌های مختلف یک آفت است برای ما و فعالان فرهنگی و سیاسی و... کلاً نیروهای حزب‌اللهی. یک وقت آقای احمدی‌نژاد را می‌پرستند و الآن می‌خواهند سر به تن او نباشد. چرا؟ چون در دوره اول، اجازه نقد آقای احمدی‌نژاد یا دولتش را نمی‌دادند و الآن جلسات خودشان را با نقد ایشان و جریان انحرافی آغاز می‌کنند؟ چرا ما این طوری ایم؟ چرا دچار این وضعیت شدیم؟

نمونه دیگرش، برخورد‌های دوگانه با آقای حسن عباسی، رئیس مرکز دکترینال بدون مرز است. یک زمانی ایشان، در حد مغز متفکر جهان اسلام و هنری کسینجر جهان اسلام مطرح می‌شود و دهها شبکه رادیویی و تلویزیونی، صحبت می‌کند، ولی بعد از آن سخنرانی سال ۱۳۸۳ در مشهد، از سوی عده‌ای از همین نیروهای مذهبی، آدم بی‌سواد، شهرت‌طلب و جنجالی مطرح می‌شود که مدرک هم ندارد و... این انواع تفاقات افتاده است و هر روز هم به گونه‌ای دیگر و در حوزه‌های دیگر تکرار می‌شود. پس مواظب این نوع افراط و تفریط‌ها باشیم و ضریب خاص را به هر یک از اساتید و موضوعات بدهیم. در استفاده از ظرفیت هنر و رسانه هم باید ظرفیت و ضریب این ابزار را بدانیم و ضریب لازم را در برنامه‌هایمان به آن بدهیم. استفاده از آنها ولی غرق نشدن و محو نشدن در آنها مدنظرمان باشد.

■ استفاده از ظرفیت هنر و ادبیات انقلاب

اما درباره ظرفیت‌های هنر و ادبیات انقلاب اسلامی. این ابزاری است که ما می‌توانیم از آن در راستای اهداف خودمان استفاده کنیم. از یک سو می‌توانیم هنر و رسانه را در خدمت اهداف فرهنگی و دینی خودمان بگیریم و از سویی دیگر، از ظرفیت‌های مسجد، کانون‌ها و تشکل‌های مذهبی و هیئت برای گسترش و تعمیق هنر و اندیشه انقلاب اسلامی استفاده کنیم. پس دو تا موضوع مطرح است: خدمت

ما باید با عملمان مردم جهان را به انقلاب اسلامی و مکتب اسلام رستین نزدیک کنیم. نباید شعار بدهیم. اگر مردم، صداقت و پاک‌کرداری را در ما ببینند جذب انقلاب و اسلام می‌شوند. متأسفانه برخی بدقولی‌های ما باعث شده است که همین ارتباطاتی که داشتیم، را کمرنگ کنیم و خودمان را پیش آنها ضایع کنیم و آنها